■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۱۰ ■ یکشنبه ■ ۱۰ فروردین ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم – همشهری – سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
www.iran-newspaper.com

اذان ظهر ۱۳/۰۹ | اذان مغرب ۱۹/۴۲ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۷ | اذان صبح فردا ۵/۲۸ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۳

سخن روز

قال الرضاعلیه السلام: بدانید که بعد از ایمان به خدا و بعد از اعتراف به حقوق اولیاءالله از آل محمد پیامبر خدا صلی‌الله علیه‌وآله هیچ شکری نزد خدا خوشایندتر ازاین نیست که برادران مؤمن خود را در امور دنیایشان یاری رسانید.

عیون اخبارالرضاج ۲،ص ۱۶۹

قادر آشنا: جشنواره‌ها را کم کنیم

تا زمانی که نمایشنامه بومی، با فرهنگ خودمان تولید نکنیم مشکل خواهیم داشت. اگر مشکل مالی وجود دارد می‌توان از تعداد جشنواره‌ها کاست. دلیلی برای برگزاری این همه جشنواره وجود ندارد. به صرف اینکه بگوییم بخش بین‌الملل داریم هزینه می‌کنیم و چون زیرساختش را نداریم گروه‌های ضعیف می‌آوریم.

مدیرکل جدید هنرهای نمایشی درباره برنامه‌هایش برای نمایش در ایران

آریا عظیمی‌نژاد: عمر خروجی برنامه‌های استعدادیابی کوتاه است

نگرانی نسبت به مسیر حرفه‌ای کسانی که در مسابقات استعدادیابی شرکت می‌کنند و حرف استاد علیزاده درباره پارساخائف درست و منطقی است. طبق تحقیقات درباره همه برنامه‌های استعدادیابی خروجی نهایی این برنامه‌ها معمولا عمر کوتاه دارند و تعداد کمی به کار حرفه‌ای موسیقی مشغول شده‌اند.

داور مسابقه «عصر جدید» درباره بخش موسیقی این برنامه

ما توی زمین زندگی می‌کردیم... مثل موش کور... بهار که می‌شد یه شاخه می‌آوردی و می‌ذاشتی رو تاقچه. تماشاش می‌کردی و شاد می‌شدی. آخه فردا ممکن بود نباشی. به این خاطر با خودت فکر می‌کنی و سعی می‌کنی شاخه رو به خاطر بسپاری...

جنگ چهره زنانه ندارد/ سوتلانا آلکساندرونا الکسیویچ
مترجم: عبدالمجید احمدی/ نشر چشمه

نگاره

منصوره دهقانی

سفر به خیر!

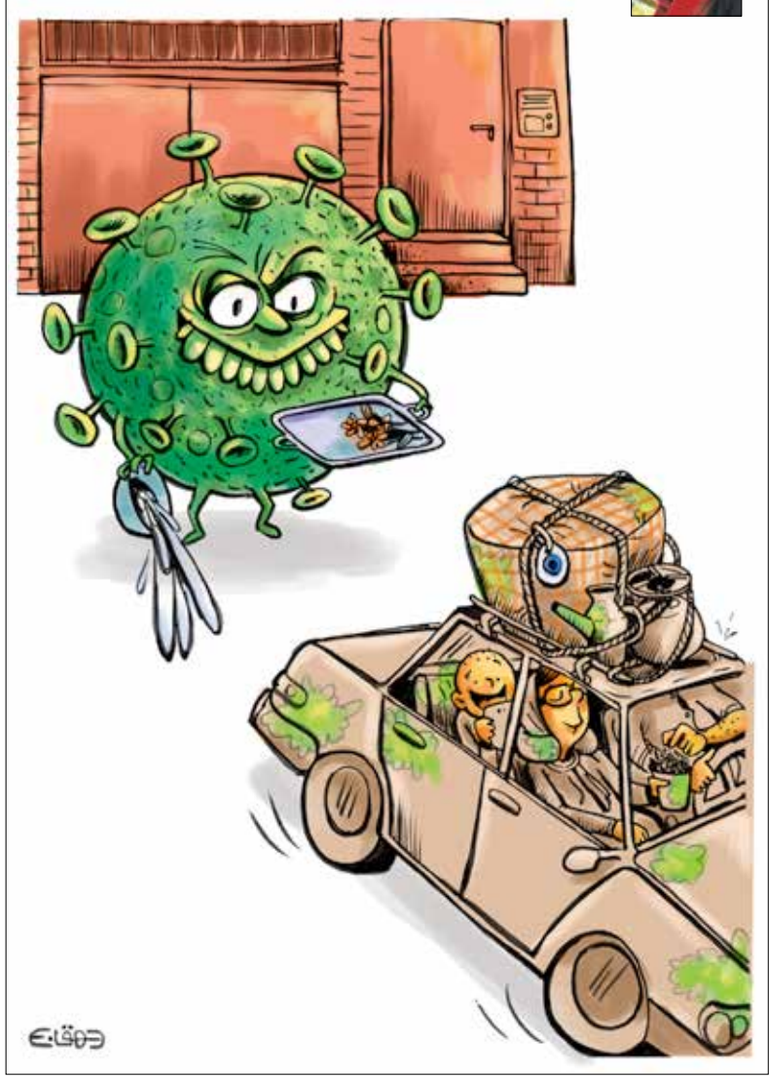

مشاهنر؛ پویش تولید و انتشار عام آثار هنری برای مردم خانه‌نشین آغاز شد

۴۰۰ هنرمند ایرانی کنار مردم ایران

گزارش یک

ندا سیجانی
خبرنگار

در پی شیوع ویروس کرونا و تأکید به در خانه ماندن مردم، تعدادی از هنرمندان رشته‌های مختلف هنری با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند با خیزشی همراهی می‌کنند که قرار است (دست‌کم در ۱۰۰ روز آتی) برای مردمی که شرایط قرنطینه خانگی و سختی احتیاط در برابر شیوع ویروس کرونا را تحمل می‌کنند، به تولید و انتشار عام آثار هنری بپردازد. در بیانیه این حرکت جمعی که قرار است با هشتگ #مشاهنر در فضای مجازی و رسانه‌های جمعی فعالیت کند، آمده است: «ما فعالان عرصه هنر و ادب «کهن بوم و بر» ایران‌زمین، با اظهار تأسف و اندوه عمیق خود نسبت به جان باختن تعداد زیادی از ایرانیان و به جهت تلاش در پیشگیری از افزایش خسارت‌های بیشتر، به ویژه در «تعطیلات» طولانی پیش رو، با تأکید و اصرار بر شعار «در خانه می‌مانیم» از همه شما دوستداران و علاقه‌مندان به «هنر و هنرمندان» ایران‌زمین می‌خواهیم برای حفظ جان خود و عزیزانتان، با شعار «در خانه می‌مانیم» واقعاً در «خانه» بمانید و این «بهار» و «نوروز» را در «خانه» که اولین و آخرین پناه در مقابل این «دشمن تازه وارد و نابکار» است، سر کنید.

ما و همکاران هنرمندمان در سراسر ایران، در کنار شماییم و تلاش، ابتکار و هنر خود را در دست‌کم «دوره ۱۰۰روزه» پیش رو، مصروف نزدیک‌تر شدن به شما که مخاطبان پُرمهر و باخرد قرن‌های متمادی «فرهنگ و هنر» بوده‌اید، خواهیم کرد. با کمک و یاری تکنولوژی روز و صفحه‌های مجازی و رسانه‌های اینترنتی، به «عید دیدنی» هم می‌آییم، با هم سخن می‌گوییم و درد دل می‌کنیم. ما نگرانیم در نگرانی‌هایتان و در سماع‌ایم با شادی‌های‌تان؛ هر چند کوتاه!» اسامی برخی هنرمندان بدین شرح است: علی نصیریان، عبدالوهاب شهیدی، غلامحسین امیرخانی، محمدعلی کشاورز، داود گنجه‌ای، حسن ناهید، ایرج راد، کامبیز روشن‌روان، پرویز پرستویی، بهزاد فراهانی، محمد سریر، رضا بابک، فاطمه معتمدآریا، مجید مظفری، راضیه برومند، گلاب آدینه، اصغر همت، هدیه تهرانی، قاسم رفعتی، هوشنگ کامکار، فریدون شهبازیان، نادر مشایخی، محمدسعید شریفیان، داریوش طلایی، علی‌اکبر شکارچی، محمد صالح علا، حمیدرضا نوربخش، حسام‌الدین سراج، فاضل جمشیدی (مبدع طرح)، علیرضا قربانی، محمد معتمدی، عبدالحسین مختاباد، وحید تاج، غلامرضا صنعتگر، حجت اشرف‌زاده، ژاله علو، مریم نشیبا، بهروز رضوی، هادی مرزبان، سیف‌الله صمدیان، فرزانه کابلی، محمود پاک‌نیت، بهرام شاه‌محمدلو، حسین محجوبی، سهیل محمودی، محمدعلی بهمنی، بیژن کامکار، پشنگ کامکار، ارسلان کامکار، اردشیر کامکار، ارژنگ کامکار، اردوان کامکار و...

یادداشت

فاضل جمشیدی
مبدع طرح مشاهنر

هنرمندان میزبان

در چند دهه گذشته، شاید این دوران جزو تلخ ترین، فراگیرترین و استثنائی‌ترین دورانی باشد که بر ایرانیان گذشته است. مروری کنیم تاریخ ایران‌مان را، قطعاً چنین است. هنرمندان سرزمین ما هم تافته‌ای جدا بافته از مردم نیستند و گرفتاری‌های گوناگون در این خاک و اجتماع ایرانی، نه تنها به آنان نیز آسیب‌ها رسانده، بلکه بیشتر از حد معمول بر روح و روان لطیف و ظریفشان لطمه زده است و خیلی‌هایشان را غافلگیرانه از میان ما برده است که «مرغ باغ ملکوتم نی‌ام از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم»!

در تاریخ خیلی‌ها آمده‌اند و رفته‌اند، «هرکسی نغمه خود خوانده و از صحنه رفته!». خیلی‌ها بودند و اکنون در حافظه هیچ بنی‌بشری نمانده‌اند و انگار «میهمان» بوده و رفته اند و نامی و اثری از خود باقی نگذاشته‌اند، کما اینکه در دوران پر بار و بی بار خود، شگفتی‌ها، حیرت‌ها، شادی‌ها یا غم‌ها آفریده باشند. نام میهمان «از یادها رفته چون فراوان‌اند و در حرکت و سفر...»؛ اما هنرمندان «میزبانان» تاریخ‌اند؛ و خانه را به نام «میزبان وصاحبخانه» می‌شناسند و ایران زمین را در تاریخ نه به وسعت و جمعیت و خاک و آب و خشت‌هایش، نه به کوه‌هایش، نه به نفت و ثروت و طلاهای رنگارنگ زرد، سرخ و سفید و سیاه‌اش، بلکه ایران و هرجا و هر خانه‌ای را به نام «میزباناش» می‌شناسند که صد البته فرهیختگان و دانشمندان و ادیبان و بزرگان و همه و همه مصداق مردمانی‌اند که «رنگ عالم را دگرگون کرده‌اند و نقش آفرین همچون خدا»، هم هنر چگونه زیستن را می‌دانند و هم چراغ راه آرامش و شادی و ارتقا و تعمیق و تغییر اندیشه ها و رفتار مردم‌اند و ما آنان را هنرمندان و میزبانان می‌نامیم. این بار با تشکیل کمپین «مشارکت ۱۰۰ روزه هنرمندان در دوران کرونا با نام -mosha honar» میهمان این «میزبانان» می شویم.

به مناسبت میلاد با سعادت رهبر آزادگان جهان اباعبدالله الحسین(ع)

آغاز فصل بلندی در حیات بشر

یادداشت

اسماعیل علوی

سوم شعبان یادآور میلاد شورانگیزترین چهره تاریخ بشر، اباعبدالله الحسین (ع) است.نوزادی که درآغوش عظمت وفضیلت متولد شد، بالید وبا خلق حماسه ای ابدی، رهبرآزادگان جهان نام گرفت. همان چهره درخشانی که با به نمایش درآوردن جلوه هایی ازایثاروفتوت، کرامت وعزت، رشادت وشجاعت، روح حماسه را متجلی وبا منطق شهادت شعله عشق به عدالت و آزادی را در جان‌ها برافروخت؛ شعله‌ای که تا ساحل ابدیت، خاموشی نخواهد گرفت.

پگاه سومین طلوع شعبان المعظم محمل درخشش آفتاب تابانی است که با عزم مقابله با نیرنگ به استقبال نیزه‌ها رفت و شانه‌های ستبرخود را تکیه گاه عزت و آزادگی نمود. قله بلند شرافت وانسانیت که تا عمق ناپیدای جان ها ریشه دارد و نام ویادش خواب ستمگران را برمی آشوبد. اباعبدالله الحسین(ع) در خانه علی(ع) و فاطمه(س) چشم به هستی گشود تا جغرافیای عدالت را گسترش دهد ومرام ومکتب اش موقف فریاد علیه ستم وستمگر گردد. روز ولادت حسین بن علی(ع) سرآغاز فصل بلندی در تاریخ است که بشریت بدان نیازمند بود. بدان سبب که جوهره حق نمایانده ومطلوب آزادگان شود. براین اساس می توان گفت، میلاد حسین بن علی(ع) رستاخیزی است که همواره تاریکی جهل وخشونت ظلم وپیچیدگی ریا وتزویر را هدف قرار می دهد وخون سرخش در رگ غیرت جاری است.

سوم شعبان مطلع‌الفجری است که نور محمدی(ص) بار دیگر از افق آن سر زده و عزم حیدر(ع) ومظلومیت زهرا(س) را به همراه دارد. در غیاب مولود این روز معلوم نبود سرنوشت آدمی به کجا خواهد انجامید؟! ویزیدهای هر عصر ونسلی چه راهی را پیش پای انسان وانسانیت می‌گذاشتند! از آن هنگام که آفاق بشری به نور فرزند علی(ع) وزهرا(س) منور شد، راهی به سوی آگاهی،عدالت‌طلبی ورهایی گشوده شد. راهی که همواره درهمه عصرها ونسل ها طنین دارد و درس آزادگی ویکتاپرستی می آموزد. مولودی که مقصد ومقصود آزادگان شد ودروازه‌های زمان را به روی دلتنگی های زمین گشود.

زاده این روز(ع) بی‌وقفه از معبر تاریخ عبور کرده وحکایت سرخ مظلومیت را با لهجه عاشورایی روایت می کند. یاد ونام او(ع) انتها وتوقف ندارد ودر رگ ثانیه‌ها جاری ست وبه بی نهایت راه می برد وهمه جا سایه به سایه ظالم ومظلوم پیش می‌رود و در تلاقی تندباد غیرت و صاعقه آگاهی به اقامه عدل می‌ایستد. هرگاه نزدیک است که مظلومیت در قاب قامت ظلم قد خم کند، نام حسین درس عشق می آموزد وخیمه عاشورا برپا کرده و با نای نارو نی حماسه می آفریند. هرکه می خواهد مسافت اندوه ستم را کوتاه کند، باید که تا کرامت سبز حسینی(ع) راه بپوید وتا انتهای غیرت حسینی صبر جوید. حسین(ع) آمده است تا از افق روز واقعه ، ابرهای تیره بختی را از ساحت حیات انسان بپراکند و به بشریت طعم عدالت را بچشاند. او(ع) آمده است تا تبلور الگوی عملی برای جداسازی «حق» از«باطل» باشد؛ آن هنگام که نمودهای حق در خدمت اهداف باطل قرار گرفته باشند و باطل با لفافه حق پوشانده شود و کسانی با بهره‌جویی از جلوه حق جولان باطل دهند. میلاد اباعبدالله الحسین (ع) تفسیرعشق وعرفان میانه میدان، بر تمامی آزادگان جهان مبارک باد.

تلویزیون در دوران کرونا و نیاز مردم در قرنطینه خانگی به برنامه‌های سرگرم‌کننده نیز کوتاه نمی‌آید

از فیلم‌های سینمایی تا پایتخت؛ همه‌چیز دوباره ممیزی می‌شود

گزارش دو

نیلوفر ساسانی
خبرنگار

دومینوی سانسور صداوسیما و انتقاد صاحبان آثار سینمایی از نخستین روز نوروز ادامه داشت که حالا پای خود تلویزیونی‌ها هم به جمع انتقادکنندگان باز شده است. فارغ از آنکه گروهی دیگر از منتقدان تلویزیون دولتی ایران معتقدند در این ایام قرنطینه این رسانه در عمل برای صبح تا عصر مردم هیچ تدارکی ندیده است و همه‌چیز از هشت شب آغاز شده و تا پاسی از شب ادامه دارد.

■ از سانسور بوسه بر عکس مصدق تا تغییر موسیقی متن «قصر شیرین»

لیست پخش تلویزیونی تولیدات تازه سینما حالا با فهرست گلایه‌مندی‌های عوامل تولید آن برابری می‌کند. از سانسور بوسه تختی بر عکس مصدق در فیلم «غلامرضا تختی» و محو کردن گوشه‌ای از کلاه‌گیس پریناز ایزدیار در «سرخپوست» تا اقدام عجیب در تغییر موسیقی «قصر شیرین» و سانسور ۱۵دقیقه‌ای فیلم داریوش مهرجویی ممیزی‌های تازه تلویزیون است که انتقادات زیادی را در فضای مجازی و رسانه‌های خبری ایجاد کرده است. مهرزاد دانش یکی از منتقدان سینمایی است که با برشمردن بخشی از موارد تازه سانسور در تلویزیون از جمله سانسور قیمت رهن خانه در سریال «آپارتمان» و سکانس بوسه بازیگر بهروز برگونه هما در سریال «پایتخت» و ممیزی فیلم‌های «تختی» و «سرخپوست» اظهار شگفتی کرد و در توئیترش نوشت: «قطع صدایی در سریالی قدیمی که قیمت رهن خانه را می‌گوید، حذف صحنه بوسه یک پسر بچه به گونه زنی که سن مادرش را دارد، سانسور بوسیدن عکس مصدق توسط تختی، کاهش صدای ویگن از بلندگوی زندان، سیاه کردن بقایای کلاه گیس بیرون مانده از کلاه بازیگر و ... نبوغ پشت نبوغ. ماشالله» از نگاه ممیزان تلویزیون، تمام تولیدات سینمای ایران برای پخش از این رسانه نیاز به بازبینی و کسب مجوز نمایش دارد حتی اگر این فیلم مختص کودک و نوجوان باشد و جایزه بهترین فیلمنامه، بهترین فیلم و بهترین دستاورد فنی و هنری از بیست و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودک و نوجوان و جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره بین‌المللی فیلم رشد را در کارنامه داشته باشد. فیلم «پینوکیو، عامو سردار و رئیسلی» که سوم فروردین ماه با اعمال موارد زیاد ممیزی از شبکه دو سیما پخش شد انتقاد تهیه‌کننده این فیلم را به همراه داشت. ناصر عنصری خطاب به مدیران سیما گفت «اگر فیلمی را نمی‌پسندید، اصلاً چرا آن را پخش می‌کنید؟»

تیغ تیز سانسور تلویزیون و بلند شدن صدای اعتراض سینماگران ایران اتفاق بی سابقه‌ای نیست آنچنان که رضا میرکریمی می‌گوید ناامید شده و اعتراض به تلویزیون را بی فایده می‌خواند. اویکی از فیلمسازانی است که پخش اغلب فیلم‌هایش از تلویزیون -«خیلی دور، خیلی نزدیک»، «به همین سادگی»، «یک حبه قند» و «دختر»- با ممیزی رو به رو بوده است. ماجرای سانسور «قصر شیرین» اما متفاوت وعجیب‌تر از تمام موارد سانسوری است که تولیدات سینمای ایران ایام نوروز امسال در تلویزیون تجربه کرده‌اند؛ علاوه بر حذف چند دیالوگ و یک سکانس (سکانسی که حامد بهداد به پلیس راهور رشوه می‌دهد)، دو قطعه موسیقی فیلم هم حذف شده و به جای آن موسیقی فیلم دیگری جایگزین شد. میرکریمی اگر چه معتقد است این تغییرات تاثیرگذاری صحنه‌های فیلم را از بین برده اما ناامیدتر از آن است که از رویه تلویزیون گلایه کند. او در گفت‌وگویی با ایسنا ترجیح داده به جای مدیران تلویزیون از مردم عذرخواهی کند و از مخاطبان درخواست کرده که نسخه اصلی فیلم را در شبکه نمایش خانگی ببینند. تلویزیون نسبت به سینما رسانه فراگیرتری است و گستردگی طیف مخاطبانش مداقه و دقت نظر بیشتری را در رصد محتوای آثار می‌طلبد اما گلایه‌ها به سانسور در تلویزیون نسبت به مواردی است که مغایرتی با خطوط قرمز تلویزیون ندارد. ۱۴ سال پیش که نسخه سانسور شده «هامون» از تلویزیون پخش شد، داریوش مهرجویی در نامه‌ای به ضرغامی (رئیس وقت سازمان) نوشت: اینگونه سانسورها با هیچ‌گونه معیار اخلاقی، دینی و زیباشناختی مطابقت ندارد و کاری است بی‌معنا و دل‌بخواهی وانگار بیشتر به قصد مغشوش و نامفهوم ساختن آن صورت گرفته است. این در حالی است که بازپخش دوباره فیلم «هامون» در ایام نوروز امسال هم دچار همان سرنوشت شد و با سانسور ۱۵دقیقه‌ای مواجه بود.

■ یک اقدام بی‌سابقه: انتشار جزئیات ممیزی پایتخت توسط تیم سازنده

علاوه بر تولیدات سینمایی، صابون ممیزان تلویزیون به تن صاحبان آثار تولیدات خودشان هم خورده است. با نگاهی به شبکه‌های اجتماعی و صفحات شخصی چهره‌های این روزهای تلویزیون با گلایه مشترک از تیزی تیغ سانسور مواجه می‌شوید. پخش فصل ششم سریال «پایتخت» از همان قسمت‌های ابتدایی با خبرهایی مبنی بر سانسور گسترده این سریال همراه بود. از قسمت دوم حجم ممیزی‌های این سریال تا حدی شدت گرفت که احمد مهرانفر، بازیگر نقش ارسطو در اینستاگرامش نوشت: «امان از سانسور. با این وجود بازهم در خانه می‌مانیم». بهرام افشاری بازیگر نقش بهتاش هم تصویر اعتراضی خودش در «پایتخت» را منتشر کرد و با تکیه کلام بهتاش «من دیگه رد دادم» نسبت به حجم بالای سانسور انتقاد کرد. شامگاه جمعه و پس از پخش قسمت هشتم بار دیگر عوامل سریال به سانسور بخش‌هایی از این قسمت که گویا قبلاً مجوز پخش آن صادر شده بود بشدت اعتراض کردند. محسن تنابنده از این نوشت که «میان پایتخت ما و پایتختی که می‌بینید تفاوت از زمین تا آسمان است حتی نسخه سانسور شده رو هم سانسور می‌کنن» و احمد مهران‌فر تصویر صفحه‌ای از فیلمنامه را که شامل دیالوگ‌های حذف شده با چاشنی انتقاد علیه مجلس و نمایندگان بود منتشر کرد. اقدامی که در تاریخ اعتراض به تلویزیون بی‌سابقه است و تاکنون یکی از عوامل اثری از تلویزیون اینگونه آشکارا جزئیات ممیزی اثر را اعلام نکرده است. ماجرای تلویزیون در این شب‌ها فقط منحصر به «پایتخت» نیست. «تیغ... تیغی که سالهاست با من است و هر روز تیزتر... یا تو با درد من بیامیزی یا من از تو دوا بیاموزم»؛ پیام کنایه‌ای را که مهران مدیری بلافاصله بعد از پخش «دورهمی»اش با پژمان جمشیدی در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد خیلی‌ها اعتراض مدیری به ممیزی این برنامه تعبیر کردند. گفت‌وگوی مهران مدیری و پژمان جمشیدی کوتاه‌تر از دیگر گفت‌وگوهای این برنامه بود و برخلاف رسم معمول بدون پلاتوی «حرف آخر» به پایان رسید. برخی از رسانه‌ها در گمانه‌زنی‌هایشان به جانبداری پژمان جمشیدی از عادل فردوسی‌پور به عنوان بخشی از موارد سانسور شده این برنامه اشاره کردند.

شهروند مجازی

یگانه خدامی

هشتگ
#پایتخت۶

سریال «پایتخت» امسال هم پربیننده‌ترین برنامه نوروزی تلویزیون است البته امسال ماجراهای دیگری باعث شده‌اند «پایتخت» بیشتر سر زبان‌ها بیفتد؛ سانسور و اعتراض بعضی اصولگرایان به این سریال درباره قبح‌شکنی. از همان قسمت‌های اول کاربران اصولگرا به روابطی که در این سریال نشان داده می‌شود، برخورد بچه‌ها با والدین و بزرگترها و بعضی تصاویر اعتراض کردند. از سوی دیگر محسن تنابنده و احمد مهرانفر از سانسور گسترده سریال خبر دادند و همین باعث شد بحث درباره «پایتخت ۶» داغ‌تر شود: «چرا خوبی‌های پایتخت رو نمی‌بینین؟ خانواده نماز صبح بیدار شدن. نقی توی شرایط بد از پشت گوشی زنشو آروم می‌کرد که بره اخبار بگه. رحمت وقتی فهمید شوهر فهیمه زنده است، توی چشمای فهیمه نگاه نکرد و همش چشماش دوخته شده بود به زمین و... اگه اینقد ناراضی هستین نگاه نکنین مجبورتون نکردن »، «چرا تو سریال پایتخت احترام به بزرگتر وجود نداره ؟ همش توهین به دایی و مادر و بزرگتراس خیلی رو اعصابه! احترام به بزرگتر واجبه به نظر من»، «حتی تحمل نقد در قالب طنز را هم ندارید؟»، «در حالی خبر از سانسور دیالوگ‌های سیاسی پایتخت به گوش می‌رسه که صحنه زشت کتک خوردن پدر توسط پسر (بهتاش پدرش بهبود را می‌زد) خیلی راحت فیلمبرداری، تدوین و پخش شد.»، «اینطور که دست اندرکاران پایتخت از ممیزی سریال دارن گلایه می‌کنند، احتمالاً از سال آینده، باید انتظار پخش پایتخت تو شبکه نمایش خانگی را بکشیم»، «سریال پایتخت به مثابه شربت خوشرنگ و رو و طعم خوشی می‌مونه که داخلش سم مهلکی حل شده و این زیبایی ظاهری تأثیرات سم رو پنهان کرده ولی در نهایت شربت کشنده است.»، «بعد از کتک زدن شوهر توسط زن تهوع آورتر از این هم می‌شه که پسری به بهانه طنز ولو در خواب کسی؛ پدرش را بگیره زیر مشت و لگد؟ تهوع آوره. پایتختی که دیگر پایتخت نیست عقده گشایی تنابنده علیه دین و نظام شده»، «دیگه مطمئن شدم پایتخت ۷ ساخته نخواهد شد مثل برنامه ۹۰»، «محسن تنابنده: « بین پایتخت ما و پایتختی که می‌بینید فاصله از زمین تا آسمان است. حتی نسخه سانسور شده رو هم سانسور می‌کنن.» فکر کنم بنده خدا خودش هم مثل بیننده‌ها هر شب با کنجکاوی می‌شینه پای تلویزیون ببینه آخرش چی می‌شه »، «هرچه از پخش سریال پایتخت ۶ می‌گذرد ناامیدتر می‌شوم ، بازهم پخش مواد مخدر و بی‌احترامی به بزرگتر و کتک‌کاری پدر. واقعاً جای تأسف دارد . خدا رحمت کنه خشایار الوند را جایش واقعاً خالی است.»، «من از وقتی یادمه محسن تنابنده از سانسور پایتخت شاکی بود. خب مؤمن اگه واقعاً ناراحتی نساز. ۶فصل سریال چرت ساختی هر سری هم میندازی گردن سانسور. خب شما که دیدی سانسور میشه برای چی هر سال داری یه فصل میدی بیرون؟»، «پایتخت۶ مثل اینکه آخر فصل از این سریال خواهد بود و عوامل سریال تصمیمی برای ادامه دادن ندارن! ولی به نظر میاد آقای تنابنده تصمیم دارد به کمک حاشیه‌های داخل سریال، با راه انداختن جنجال و بعد دعوا با صداوسیما دلیل ادامه ندادن سریال پایتخت را گردن صداسیما بیندازد!»، «طرف پنج فصل قبل سریالش رو صدا و سیما نشون داده، اوج سرمایه‌گذار سریالش بوده، حالا به طوری از سانسور سریال شکایت می‌کنند انگار پنج فصل قبل رو نت‌فیلیکس منتشر می‌کرده.»، «اینایی که پایتخت میبینن بعد میگن بد آموزی داره صدای خنده‌هاشون، هفت تا کوچه اونور تر هم می‌ره»، «اعتراض محسن تنابنده به سانسور پایتخت. مگر فیلم برای نت‌فلیکس ساخته که اعتراض داره؟ می‌دونسته برای کجا داره می‌سازه و شرایط چیه. هر برنامه ساز، مجری و کارمند صدا و سیما یک اپوزیسیون شش آتشه در صفحه مجازی».

آیا باید تمام فهرست‌های پیشنهاد فرهنگی را جدی گرفت؟

نگاه روز

مسعود طاهری
فیلمساز

این روزها که ویروس کرونا تقریباً همه را وادار به تغییر سبک زندگی و الزام به خانه نشینی کرده، و حوصله برخی را در خانه سربرده و عموم مردم در پی الگوهایی برای پر کردن اوقات فراغت وسیع خود هستند، افراد و گروه‌ها و محافل بسیاری برای عموم جامعه فهرست های پیشنهادی برای گذران این اوقات فراغت در خانه دارند از جمله برخی فهرست پیشنهادی از کتاب‌ها گرفته تا فهرستی از فیلم های مستند و یا فیلم های سینمایی یا شنیدن برخی آلبوم‌ها یا قطعات موسیقی.

در این بین اما می‌توان دید که برخی از محافل و دسته‌ها هم از این وضعیت ایجاد شده در حال سوءاستفاده هستند، و سعی می کنند که ماهی خود را از این آب گل آلود بگیرند، در بین کانال ها، گروه‌های مختلف علمی، کاری، دوستی شبکه‌های مختلف اجتماعی و نیز صفحات رسمی اینستاگرامی بسیار دیده می شود که یک سری پیام هایی یکسان مدام فوروارد و بارگذاری می‌شود که فهرستی است از برخی فیلم‌های مستند یا داستانی مشخص که مخاطب را توصیه به تماشا کردن‌شان می کنند. شاید کسی که حرفه‌ای این عرصه نباشد، در نظر اول نتواند خط و ربط این فهرست دادن‌ها را دریابد؛ اما برای حرفه‌ای‌های آن عرصه به راحتی می توان به وجود یک رابطه معنادار میان ارائه‌دهندگان برخی از این فهرست‌های پیشنهادی و نام‌هایی که در آنها مطرح می شود پی‌برد، و در انتهای این فهرست‌های پیشنهادی متأسفانه به وجود یک سری محافل و زد و بندهایی رسید که لزوماً خیلی اهداف صرف فرهنگی را دنبال نمی کنند و دنبال اهداف دیگری مانند تأمین منافع خود هستند. اگر قصد قربت و قربة الی الله کاری را کردن امروز برای بسیاری محلی از اعراب ندارد، و به قول معروف دیگر کلاس ندارد، لیکن حداقل بی‌شائبه پیشنهاد دادن و ارائه طریق به عموم جامعه را می توان از برخی که عنوان صفحات فرهنگی دارند و برخی که خود را خواص و نخبگان جامعه می دانند انتظار داشت، و توقع داشت لااقل در این جا و این برهه دوباره به فکر جیب و منافع دسته‌ای خاص نباشند و یا حداقل اگر چنین قصدی ندارند در این مسأله با اهمال خود مروج این کاسبکاری فرهنگی توسط آن افراد معلوم الحال نباشند. برخی از افراد هر کاری می کنند فکر می کنند در حال انجام کار فرهنگی هستند، بنابراین به طریق اولی وقتی در حال ترویج صرفاً محصولات تولید شده توسط محافلی که به آن وابسته هستند هیچ تردید ندارند که در حال انجام کارهای فرهنگی هستند و اجر و ثواب هم از طرف خدای برساخته ذهن‌شان برای انجام آن کارهای فرهنگی برای خود کنار گذاشته اند و جزو باقیات صالحات‌شان حساب می کنند.

به نظر می رسد این وظیفه رسانه‌هایی مانند روزنامه‌ها است که این فهرست‌های فرهنگی را از بزرگان و نخبگانی که هیچ شک و شائبه‌ای در عدالت‌شان نباشد و فارغ از هر جریان و وابستگی گروهی و حزبی هستند به اسم و به صورت رسمی از این بزرگان، ادبا، اندیشمندان و هنرمندان بگیرند و به مردم ارائه دهند یا خود بزرگان، اندیشه‌ورزان، هنرمندان و نخبگان در صفحات اجتماعی شان یا منابعی که به صورت رسمی منتسب به ایشان است با اسم و رسم خود و امضایشان این فهرست‌ها را پیشنهاد بدهند، نه اینکه این فهرست‌ها همین گونه بدون نام و در ظاهری خیرخواهانه اما با باطنی سوءاستفاده‌جو در پی بهره‌برداری از اهداف و منویات خاصی باشند.

عکس نوشت

ابراهیم حقیقی طراح و گرافیست، این روزها به بهانه شیوع بیماری کرونا در اینستاگرامش نقاشی‌های مشهور جهان را با شمایلی تازه به اشتراک می گذارد. او تابلوهایی از رونگوگ، رنه مارگریت، پیکاسو، گرانت وود و فرانسیسکو گویا را با ترکیبی از ماسک، مواد ضدعفونی کننده و ویروس کرونا به روز کرده است.